

چهل حدیث مستند از بیان امام حسن (ع)

هان ای مردم! کسی که برای خدا نصیحت کند و کلام خدا را راهنمای خود گیرد، به راهی پایدار رهنمون شود و خداوند او را به رشد و هدایت موفق سازد و به نیکویی استوار گرداند، زیرا پناهنده به خدا در امان و محفوظ است و دشمن خدا ترسان و بیاور است و با ذکر بسیار خود را از [معصیت خدای] بپایید.

چهل حدیث مستند از بیان امام حسن (ع)

1- نصیحت از سر اخلاص

&171#؛ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ مَنْ نَصَحَ لِّهِ وَ أَخَذَ قَوْلُهُ دَلِيلًا هُدًى لِّلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَ وَفَّقَهُ اللَّهُ لِلرَّشَادِ وَ سَدَّدَهُ لِلْحُسْنَى فَلَنْ جَارَ اللَّهُ آمِنٌ مَّحْفُوظٌ وَ عَدُوُّهُ خَائِفٌ مَّخْذُولٌ، فَاحْتَرِسُوا مِنَ اللَّهِ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ.»

هان ای مردم! کسی که برای خدا نصیحت کند و کلام خدا را راهنمای خود گیرد، به راهی پایدار رهنمون شود و خداوند او را به رشد و هدایت موفق سازد و به نیکویی استوار گرداند، زیرا پناهنده به خدا در امان و محفوظ است و دشمن خدا ترسان و بیاور است و با ذکر بسیار خود را از [معصیت خدای] بپایید.

2- شناخت هدایت

&171#؛ وَ اعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنْكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الثَّقَى حَتَّى تَعْرِفُوا صِفَةَ الْهُدَى، وَ لَنْ تُمْسِكُوا بِمِثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَبْذُهُ وَ لَنْ تَتْلُوا الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي حَرَفَهُ، فَإِذَا عَرَفْتُمْ ذَلِكَ عَرَفْتُمْ الْيَدَعَ وَ التَّكْلِيفَ وَ رَأَيْتُمْ الْفُرْيَةَ عَلَى اللَّهِ وَ التَّحْرِيفَ وَ رَأَيْتُمْ كَيْفَ يَهْوَى مَنْ يَهْوَى.»

به یقین بدانید که شما هرگز تقوا را شناسید تا آن که صفت هدایت را بشناسید، و هرگز به پیمان قرآن تمسک پیدا نمکنید تا کسانی را که دورش انداختند بشناسید، و هرگز قرآن را چنان که شایسته تلاوت است تلاوت نمکنید تا آنها را که تحریفش کردند بشناسید، هر گاه این را شناختید بدعتها و بر خود بستن ها را خواهید شناخت و دروغ بر خدا و تحریف را خواهید دانست و خواهید دید که آن که اهل هوی است چگونه سقوط خواهد کرد.

3- فاصله میان حق و باطل

&171#؛ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ أَرْبَعُ أَصَابِعَ، مَا رَأَيْتَ بَعِيَّتِكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَ قَدْ تَسْمَعُ بِأُذُنِكَ بَاطِلًا كَثِيرًا.»

بین حق و باطل به اندازه چهار انگشت فاصله است، آنچه با چشمت بینی حق است و چه بسا با گوش خود سخن باطل بسیاری را بشنوی.

4- آزادی و اختیار انسان

&171#؛ مَنْ أَحَالَ الْمَعَاصِيَ عَلَى اللَّهِ فَقَدْ فَجَرَ، إِنْ اللَّهُ لَمْ يَطْعُ مَكْرُوهًا وَ لَمْ يَعْصَ مَغْلُوبًا وَ لَمْ يَهْمِلِ الْعِبَادَ سُدًى مِنَ الْمَمْلَكَةِ، بَلْ هُوَ الْمَالِكُ لِمَا مَلَكَهُمْ وَ الْقَادِرُ عَلَى مَا عَلَيْهِ أَقْدَرَهُمْ، بَلْ أَمَرَهُمْ تَحْيِيرًا وَ نَهَاَهُمْ تَحْذِيرًا.»

هر که گناهان را به خداوند نسبت دهد، به تحقیق، فاجر و نابکار است. خداوند به زور اطاعت نشود، و در نافرمانی مغلوب نگردد، او بندگان را مهمل و سرخود در مملکت وجود رها نکرده، بلکه او مالک هر آنچه آنها را داده و قادر بر آنچه آنان را توانا کرده است میباشد،

آنان را فرمان داده تا به اختیار خودشان آن را بپذیرند و نهیشان نموده تا به اختیار خود بر حذر باشند.

5- زهد و حلم و درستی

&171#; قِيلَ لَهُ (عليه السلام) مَا الرُّهْدُ؟ قَالَ: أَلَرَّعْبَةُ فِي التَّقْوَى وَ الرِّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا. قِيلَ: فَمَا الْحِلْمُ؟ قَالَ كَظْمُ الْغَيْظِ وَ مَلَكُ النَّفْسِ. قِيلَ مَا السَّدَادُ؟ قَالَ: دَفْعُ الْمُتَكْرَرِ بِالْمَعْرُوفِ.»

از حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) پرسیده شد که زهد چیست؟ فرمود: رغبت به تقوا و برعبتی در دنیا. سؤال شد حلم چیست؟ فرمود: فرو بردن خشم و تسلط بر نفس. سؤال شد سداد و درستی چیست؟ فرمود: برطرف نمودن زشتی به وسیله خوبی.

6- تقوا

&171#; أَلْتَقْوَى بَابُ كُلِّ تَوْبَةٍ وَ رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ وَ شَرَفُ كُلِّ عَمَلٍ بِالتَّقْوَى فَارَ مَنْ فَارَ مِنَ الْمُتَّقِينَ.»

تقوا و پرهیزکاری سرآغاز هر توبه ای، و سر هر حکمتی، و شرف و بزرگی هر عملی است، و هر که از با تقوایان کامیاب گشته به وسیله تقوا کامیاب شده است.

7- خلیفه به حق

&171#; إِنَّمَا الْخَلِيفَةُ مَنْ سَارَ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ عَمِلَ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ لَعَمْرِي إِنَّا لَأَعْلَامُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الثَّقَى.»

خلافت فقط از آن کسی است که به روش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) برود، و به طاعت خدا عمل کند، و به جان خودم سوگند که ما اهل بیت نشانه های هدایت و جلوه های پرفروغ پرهیزگاری هستیم.

8- حقیقت کرم و دنائت

&171#; قِيلَ لَهُ (عليه السلام): مَا الْكِرَمُ؟ قَالَ: أَلَايْتِدَاءُ بِالْعَطِيَّةِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ وَ إِطْعَامُ الطَّعَامِ فِي الْمَحَلِّ. قِيلَ فَمَا الدَّنِيَّةُ؟ قَالَ: أَلْتَنَظُّرُ فِي الْيَسِيرِ وَ مَنَعُ الْحَقِيرِ.»

از امام مجتبی سؤال شد: کرم چیست؟ فرمود: آغاز به بخشش نمودن پیش از درخواست نمودن و اطعام نمودن در وقت ضرورت و قحطی. سؤال شد: دنائت و پستی چیست؟ فرمود: کوچک بینی و دریغ از اندک.

9- مشورت مایه رشد و هدایت

&171#; مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَى رُشْدِهِمْ.»

هیچ قومی با همدیگر مشورت نکنند، مگر آن که به رشد و کمالشان هدایت شوند.

10- ثنات و پستی

&171#؛ اَللّٰهُمَّ اَنْ لَا تَشْكُرَ النِّعْمَةَ.»

پستی آن است که شکر نعمت را نکنی.

11- بدتر از ننگ و زیونی

&171#؛ اَلْعَارُ اَهْوَنُ مِنَ النَّارِ.»

نگ و زیونی بهتر از دوزخ رفتن است.

12- رفیق شناسی

&171#؛ قَالَ الْحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَام) لِيَعْنُصَ وَلَدُهُ: يَا بُنَيَّ لَا تُوَاخَ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْحَبْرَةَ وَ رَضِيتَ الْعِشْرَةَ فَآخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعَتْرَةِ وَ الْمُوَاسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ.»

امام حسن (علیه السلام) به یکی از فرزندان فرمود: ای پسر! با احدی برادری مکن تا بدانی کجاها مرود و کجاها مآید، و چون از حالش خوب آگاه شدی و معاشرتش را پسندیدی با او برادری کن به شرط این که معاشرت، بر اساس چشم پوشی از لغزش و همراهی در سختی باشد.

13- کار با توکل

&171#؛ لَا تُجَاهِدِ الطَّلَبَ جِهَادَ الْغَالِبِ وَلَا تَتَّكِلْ عَلَى الْقَدَرِ إِتْكَالَ الْمُسْتَسْلِمِ.»

چون شخص پیروز در طلب مکوش، و چون انسان تسلیم شده به قدر اعتماد مکن [بلکه با تلاش پیگیر و اعتماد و توکل به خداوند، کار کن].

14- خویشاوند و بیگانه واقعی

&171#؛ اَلْقَرِيبُ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَ اِنْ بَعُدَ نَسَبُهُ، وَ الْبَعِيدُ مَنْ بَاعَدَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَ اِنْ قَرُبَ نَسَبُهُ.»

خویشاوند کسی است که دوستی و محبت، او را نزدیک کرده باشد و اگر چه نژادش دور باشد. و بیگانه کسی است که از دوستی و محبت به دور است و گرچه نژادش نزدیک باشد.

15- اعتماد به مقدرات الهی

&171#؛ مَنْ اَتَكَلَ عَلَى حُسْنِ الْاِخْتِيَارِ مِنَ اللّٰهِ لَهُ لَمْ يَتَمَنَّ أَنْهُ فِي غَيْرِ الْحَالِ اَلَّتِي اِخْتَارَهَا اللّٰهُ لَهُ.»

هر که به نیک گزینی خداوند دلگرم باشد، آرزو نمکند در وضعی جز آنچه خدا برایش برگزیده، باشد.

16- آثار رفت و آمد در مسجد

&171#; مَنْ أَدَامَ الْإِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانِ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ وَ أَحَدًا مُسْتَفَادًا وَ عِلْمًا مُسْتَطَرَقًا وَ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً وَ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى الْهُدَى أَوْ تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى وَ تَرَكَ الدُّثُوبَ حَيَاءً أَوْ حَشْيَةً. »

هر که پیوسته به مسجد رود به یکی از این هشت فایده می‌رسد: 1- نشانه ای استوار (فهم آیات الهی)، 2- دوستی قابل استفاده، 3- دانشی تازه، 4- رحمتی مورد انتظار، 5- سخنی که به راه راستش کشد، 6- یا سخنی که او را از پستی برهاند، 7- و ترک گناهان به خاطر شرم از خدا، 8- یا ترک گناهان به خاطر خوف از خدا.

17- بهترین چشم و گوش و دل

&171#; إِنْ أَبْصَرَ الْأَبْصَارُ مَا نَقَدَ فِي الْخَيْرِ مَذْهَبُهُ، وَ أَسْمَعُ الْأَسْمَاعُ مَا وَعَى التَّذْكِيرُ وَ انْتَفَعَ بِهِ، أَسْلَمَ الْقُلُوبُ مَا طَهَّرَ مِنَ الشُّبُهَاتِ. »

همانا بیناترین دیده ها آن است که در طریق خیر نفوذ کند، و شنواترین گوشها آن است که پند و اندرز را در خود فرا گیرد و از آن سود برد، سالمترین دلها آن است که از شبهه ها پاک باشد.

18- تزکیه در پرتو عبادت

&171#; إِنْ مَنْ طَلَبَ الْعِبَادَةَ تَزَكَّى لَهَا، إِذَا أَضَرَّتِ التَّوَافِلُ بِالْقَرِيضَةِ فَارْفُضُوهَا. »

به راستی هر که عبادت را به خاطر عبادت طلب کند خود را تزکیه نموده‌است. هر گاه مستحبات به واجبات زیان رساند آن را ترک کنید.

19- عاقل خیرخواه

&171#; لَا يَغْشُ الْعَاقِلُ مَنْ اسْتَنْصَحَهُ. »

عاقل و خردمند به کسی که از او نصیحت و اندرز خواهد، خیانت نکند.

20- ارزش دادن به آثار عبادت

&171#; إِذَا لَقِيَ أَحَدَكُمْ أَخَاهُ فَلْيَقْبِلْ مَوْضِعَ الثَّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ. »

هر گاه یکی از شما برادر خود را ملاقات کند، باید که محلّ نور پیشانی (یعنی محلّ سجده) او را ببوسد.

21- امید و پشتکار

171# وَاَعْمَلْ لِدُئِيكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ عَدًّا، وَإِذَا أُرِدْتَ عِرًّا بِمَا عَشِيرَةٌ، وَهَيْبَةً بِمَا سُلْطَانٌ فَاحْرُجْ مِنْ دَلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.»

برای دنیایت چنان کار کن که گویا همیشه زندگی مکنی، و برای آخرت به گونه ای کار کن که گویا فردا خواهی مُرد، و اگر عزّتی بدون بستگان و شکوهی بدون سلطنت خواهی، از معصیت و نافرمانی خدا به طاعت و فرمانبری خداوند عزّوجلّ درآی.

22- نشانه های مکارم اخلاق

171# مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ عَشْرَةٌ: صِدْقُ الْإِنْسَانِ وَ صِدْقُ الْبَاسِ وَ إِعْطَاءُ السَّائِلِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الْمَكَافَاتُ بِالصَّنَائِعِ وَ صَلََةُ الرَّحِمِ وَ التَّذَمُّمُ عَلَى الْجَارِ، وَ مَعْرِفَةُ الْحَقِّ لِلصَّاحِبِ وَ قُرْبَى الصَّيْفِ وَ رَأْسُهُنَّ الْحَبَاءُ.»

مکارم و فضائل اخلاق ده چیز است: 1 - راستگویی، 2 - راستگویی در وقت سختی و گرفتاری، 3 - بخشش به سائل، 4 - خوش خلقی، 5 - پاداش در مقابل کارها و ابتکارات، 6 - پیوند با خویشان، 7 - حمایت از همسایه، 8 - حق شناسی درباره دوست و رفیق، 9 - میهمان نوازی، 10 - و در رأس همه اینها شرم و حیاست.

23- پرهیز از تملق و بدگویی

171# قَالَ (عليه السلام) لِرَجُلٍ : إِيَّاكَ أَنْ تَمْدَحَنِي فَأَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْكَ أَوْ تَكْذِبَنِي فَإِنَّهُ لَا رَأْيَ لِمَكْذُوبٍ أَوْ تَغْتَابَ عِنْدِي أَحَدًا.»

امام به شخصی فرمود : مبادا مرا ستایش کنی، زیرا من خود را بهتر میشناسم، یا مرا دروغگو شماری، زیرا دروغگو اندیشه و عقیده [ثابتی] ندارد، یا کسی را نزد من بدگویی نمایی.

24- عوامل هلاکت آدمی

هَلَاكُ النَّاسِ فِي ثَلَاثٍ: الْكِبْرُ، الْحِرْصُ، الْحَسَدُ.

أَكْبَرُ بِهِ هَلَاكُ الدِّينِ وَ بِهِ لَعْنُ إِبْلِيسَ.

أَحْرَصُ عَدُوُّ التَّقَى وَ بِهِ أُخْرِجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ.

أَحْسَدُ رَائِدُ السُّوءِ وَ بِهِ قُتِلَ قَابِيلُ هَابِيلَ.

هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است: کبر، حرص، حسد.

تکبر که به سبب آن دین از بین مرود و به واسطه آن، ابلیس، مورد لعنت قرار گرفت.

حرص که دشمن جان آدمی است و به واسطه آن آدم از بهشت خارج شد.

حسد که سر رشته بدی است و به واسطه آن قابیل، هابیل را کشت.

25- تقوا و تفکر

&171#؛أوصيكم بتقوى الله وإدامة التفكير فإن التفكير أبو كل خير وأمه.»

شما را به پرهیزگاری و ترس از خدا و ادامه تفکر و اندیشه سفارش میکنم، زیرا که تفکر و اندیشه، پدر و مادر تمام خیرات است.

26- شستشوی دستها قبل و بعد از غذا

&171#؛غسلُ اليدين قبلَ الطعام ينفى الفقرَ وبعدهُ ينفى الهمَّ.»

شستن دستها پیش از غذا، فقر را از بین میبرد و بعد از غذا، غم و اندوه را میزداید.

27- دنیای سرای عمل

&171#؛التاسُ في دار سهو وعقلة يعمَلونَ ولا يعلَمونَ فإذا صارُوا إلى دار الآخرة صارُوا إلى دار يقين يعلَمونَ ولا يعمَلونَ.»

مردم در این دنیا در سرای بخیری و غفلت به سر میبرند، کار میکنند و نمیدانند. وقتی که به سرای آخرت رفتند، به خانه یقین میرسند، آن گاه است که میدانند، ولی دیگر کار نمکنند.

28- همراهی با مردم

&171#؛صاحب الناس بمثل ما تحب أن يصاحبوك.»

چنان با مردم مصاحبت داشته باش که خود دوست داری به همان گونه با تو مصاحبت کنند.

29- عقاب و ثواب مضاعف

&171#؛والله إني لأخاف أن يضاعف للعاصي من العذاب ضعفين وأرجو أن يؤتي المحسن من أجره مرتين.»

به خدا قسم من ترس از آن دارم که عذاب گناهکاران از ما اهل بیت دو چندان گردد، و امید آن را دارم که نیکوکار از ما اهل بیت نیز پاداشش دو برابر باشد.

30- نقش عقل، همت و دین

&171#; لا أَدَبَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ، وَلَا مَرْوَةَ لِمَنْ لَا هِمَّةَ لَهُ، وَلَا حَيَاءَ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ.»

کسی که عقل ندارد، ادب ندارد و کسی که همت ندارد، جوانمردی ندارد و کسی که دین ندارد، حیا ندارد.

31- تعلیم و تعلم

&171#; عَلَّمَ النَّاسَ عِلْمَكَ وَ تَعَلَّمَ عِلْمَ غَيْرِكَ.»

مردم را با دانشت، دانش بیاموز و خود نیز دانش دیگران را فراگیر.

32- روی آوردن به چه کسی؟

&171#; لَا تَأْتِ رَجُلًا إِلَّا أَنْ تَرْجُوَ نَوَالَهُ أَوْ تَخَافَ بَأْسَهُ أَوْ تَسْتَفِيدَ مِنْ عِلْمِهِ أَوْ تَرْجُوَ بَرَكَتَهُ وَ دُعَائِهِ أَوْ تَصِلَ رَحِمًا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ.»

نزد کسی مرو، مگر آن که به بخشش او امیدوار، یا از قدرتش بیمناک، یا از دانشش بهره مند، یا به برکت و دعایش امیدوار باشی، یا آن که بین تو و او پیوند خویشاوندی باشد.

33- عقل و جهل

&171#; لَا غِنَى أَكْبَرَ مِنَ الْعَقْلِ وَلَا فَقْرَ مِثْلُ الْجَهْلِ وَلَا وَحْشَةَ أَشَدَّ مِنَ الْعُجْبِ، وَلَا عَيْشَ أَلَدَّ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ.»

هیچ بنیازبای بزرگتر از عقل و هیچ فقری مانند جهل و هیچ وحشتی سختتر از خودپسندی و هیچ عیشی لذت بخشتر از خوش اخلاقی نیست.

34- علی(علیه السلام)، دروازه ایمان

&171#; إِنَّ عَلِيًّا بَابٌ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ حَرَجَ مِنْهُ كَانَ كَافِرًا.»

علی(علیه السلام) دروازه ایمان است، هر که داخل آن شد مؤمن و هر که خارج از آن شد کافر است.

35- حق اهل بیت

&171#; وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَا يَنْتَقِصُ أَحَدٌ مِنْ حَقِّنَا إِلَّا نَقَصَهُ اللَّهُ مِنْ عَمَلِهِ.»

قسم به خدایی که محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) را به حق برانگیخت، هیچ کس از حق ما اهل بیت چیزی را کم نکند، مگر آن که خداوند از عملش چیزی را کم گرداند.

36- اوّل سلام، آن گاه کلام

&171#; مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تُجِيبُوهُ. «

کسی که پیش از سلام کردن، آغاز به سخن گفتن نماید، جوابش را ندهید!

37- نیکی و پرسش؟

&171#; أَلَشَّرُوعُ بِالْمَعْرُوفِ وَ الْإِعْطَاءُ قَبْلَ السُّؤَالِ مِنْ أَكْبَرِ السُّؤَادِ. «

آغاز نمودن به نیکی و بذل و بخشش، پیش از درخواست نمودن، از بزرگترین شرافتها و بزرگهاست.

38- فراگیری و کتابت دانش

&171#; تَعْلَمُوا الْعِلْمَ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا حِفْظَهُ فَاكْتُبُوهُ وَ ضَعُوهُ فِي بُيُوتِكُمْ. «

دانش را فرا گیرید و اگر توان حفظ کردنش را ندارید آن را بنویسید و در خانههایتان بگذارید.

39- دعای مستجاب

&171#; أَنَا الضَّامِنُ لِمَنْ لَمْ يَهْجِسْ فِي قَلْبِهِ إِلَّا الرِّضَا أَنْ يَدْعُو اللَّهَ فَيُسْتَجَابَ لَهُ. «

کسی که در قلبش جز رضا و خشنودی خدا خطور نکند، چون خدا را بخواند، من ضامن اجابت دعای او هستم.

40- عبادت و پرستش

&171#; مَنْ عَبَدَ اللَّهَ عَبْدَ اللَّهِ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ. «

کسی که خدا را اطاعت و عبادت کند، خداوند همه چیز را مطیع او گرداند.